



گزارشها

## سخنرانی معاون آموزش و پژوهش وزارت خارجه در چهارمین میزگرد ایران و روسیه

خانمها، آقایان، حضار گرامی:

ضمن تشکر از مؤسسه تحقیقات استراتژیک و مطالعات بین‌المللی روسیه و همچنین قدردانی از استقبال گرم و دوستانه‌ای که از من و همکارانم به عمل آمد، بسیار خوشوقتم که در چهارمین میزگرد روابط ایران و روسیه شرکت می‌کنم.

در اوایل سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) هنگامی که اولین میزگرد ایران و روسیه به‌عنوان دو همسایه قدیمی که فراز و نشیب‌های فراوانی را در تاریخ روابط سیاسی - اقتصادی خود پشت سر گذاشته‌اند، در تهران تشکیل شد، کارشناسان مؤسسات مطالعاتی دو طرف با عزمی راسخ در گسترش روابط دو جانبه و همکاری‌های فی‌مابین گردهم آمدند و با دیدگاهها و حوزه‌های مختلف مورد علاقه یکدیگر، آشنا شدند. طی دومین میزگرد در مسکو به مباحث خاصی چون همکاری‌های استراتژیک، مواضع غرب و مسائل آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته شد. در میزگرد سوم در تهران، حوزه‌های دقیق منافع و زمینه‌های کار مشترک دو طرف مورد بررسی قرار گرفت. اینک میزگرد چهارم را تحت عنوان روابط ایران و روسیه در آستانه قرن ۲۱ در شرایطی آغاز می‌کنیم که شاهد تحول و پیشرفت همه‌جانبه‌ای در روابط دو کشور هستیم. اصولاً فلسفه تشکیل اینگونه میزگردها، جلساتی است که براساس روح گفتگو و ارتباطات انسانی و مبادله افکار و دیدگاهها میان کارشناسان و محققان و صاحب‌نظران دو طرف برقرار می‌شوند. ویژگی چنین میزگردهایی، حالت بازگفتگوهاست که به‌نظر ما می‌تواند یکی از راههای بسیار مؤثر در برقراری، حفظ یا گسترش فضای گفتگو و نیز زمینه همکاری‌ها

باشد. در بسیاری از موارد که حتی مذاکره رسمی میان دولت‌ها به دلایلی وجود ندارد، هنوز می‌توان از گفتگوی میان نخبگان در حوزه‌های انسانی و تمدنی استفاده برد.

خوشبختانه در روابط روبه‌گسترش ایران و روسیه شاهد هستیم که میزگردهای ما به‌عنوان یک مجرای جانبی ولی بسیار مفید، نقش مثبت خود را ایفا کرده‌اند. در فواصل زمانی سه میزگرد گذشته پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای در مناسبات دو کشور پدید آمده است. در سطح روابط دوجانبه باید به افزایش قابل توجه حجم مبادلات بازرگانی اشاره کرده و از چشم‌اندازهای مساعد برای گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های منابع نیرو، صنایع نفت و گاز، امور بانکداری و حمل و نقل نام ببریم. در اولین اجلاس کمیسیون دائمی مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه که در دسامبر ۱۹۹۶ در مسکو برگزار شد، مسائل مربوط به این همکاری‌ها و شالوده پیمانی - حقوقی آنها مورد بررسی قرار گرفت و انگیزه‌های مؤثر و متنوعی را برای توسعه روابط بازرگانی - اقتصادی بین دو کشور فراهم آورد.

در فاصله میزگردهای دوم و سوم مشکل بازپرداخت بدهی‌ها حل و فصل شده و در زمینه مسائل سیاسی مراحلی از اعتمادسازی را با موفقیت پشت سر گذاشته‌ایم، ضمن اینکه روابط پارلمانی دو کشور نیز در پی سفر بهار گذشته ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به مسکو، گسترش یافته است.

در سطح روابط منطقه‌ای، تلاشهای صلح‌جویانه مشترک ایران و روسیه به منظور حل بحران تاجیکستان، ثمرات خود را نشان داده و در تابستان گذشته شاهد استقرار پایه‌های صلح در این کشور بودیم. اما باید از تداوم همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه اطمینان حاصل کنیم، زیرا تنها به این وسیله می‌توان امیدوار بود که آرامش فعلی در تاجیکستان به صلحی پایدار مبدل خواهد شد.

خوشبختانه چشم‌انداز همکاری‌های ایران و روسیه نشان‌دهنده روند مثبت آن در زمینه‌های مختلف است. در قفقاز و بحران قره‌باغ و در آسیای مرکزی هر دو کشور معتقد به حمایت از اصل برقراری صلح و ثبات و توجه به منافع مشترک می‌باشند. تحولات افغانستان نیز نزدیکی دیدگاه‌های دو کشور را در زمینه لزوم برقراری یک دولت فراگیر و اینکه هیچ‌یک از گروه‌های موجود به تنهایی قادر به مهار این بحران نیستند، نشان داد. نظریات مشترک تهران و مسکو در خصوص دستیابی به یک مصالحه جامع درباره رژیم حقوقی دریای خزر و

بهره‌برداری از منابع متنوع آن از جمله نفت و گاز، اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه را آشکارتر می‌سازد. به‌عنوان نمونه از یک همکاری منطقه‌ای مفید می‌توان به مشارکت ایران و روسیه و ترکمنستان در بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر اشاره کرد. در مورد سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، ما حرکت اخیر مسکو در رابطه با عراق را به‌عنوان گامی مثبت ارزیابی می‌کنیم.

با این همه آنچه تاکنون گذشته، تنها برای منافع کوتاه و میان‌مدت دو کشور مناسب بوده ولی برای منافع بلندمدت در آستانه قرن ۲۱ باید به صورت جدی‌تری به محورهایی که در میزگرد مطرح می‌شود، اندیشید. ما باید به تعریف‌های دقیق‌تری از منافع مشترک ایران و روسیه در مناطق حساسی چون آسیای مرکزی، قفقاز، دریای خزر و خاورمیانه دست یافته و شفافیت بیشتری به دورنمای مناسبات در این حوزه‌ها بدهیم. برای تحلیل دورنمای مناسبات ایران و روسیه لازم است ظرفیتهای واقعی دو کشور را در سطح کلان در این منطقه مهم مورد توجه قرار داد.

هر قدرت جهانی به‌منظور تحکیم پایه‌های قدرت خود نیازمند کسب حمایت متحدانی از بین قدرتهای منطقه‌ای است تا با پشتوانه آنها زمینه حضور در برابر سایر قطبهای جهان بیابد. با نگاهی گذرا به گذشته تاریخی روسیه این نکته آشکار می‌شود که آن کشور برای ایجاد فضای ژئوپلتیکی و رفع نقاط ضعف خود در این زمینه تنها می‌تواند دو مسیر غرب و جنوب را برگزیند.

اروپا ظرفیت ایفای نقش یک قدرت منطقه‌ای را برای روسیه در اختیار ندارد؛ دلیل آن نیز روشن است: در نظام چندقطبی احتمالی آینده یا اروپا به عنوان یکی از قطبهای جهان مطرح خواهد شد که در آن صورت قدرتی هم‌عرض با روسیه است نه در طول آن و یا به صورت بخشی از نظام سرمایه‌داری تحت رهبری آمریکا خواهد بود که در هر دو حالت تأمین‌کننده هدف روسیه در جهان آینده نخواهد بود. بنابراین تنها فضاهای تنفسی روسیه در بین همسایگان جنوبی آن کشور، ایران، افغانستان و پاکستان و در نهایت ترکیه هستند. با توجه به اوضاع داخلی این کشورها تنها ایران است که می‌تواند همکاری راهبردی با روسیه داشته‌باشد.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران تهدیدات ناشی از تقابل قوا بین ایران و روسیه از بین

رفت. امروز ایران اسلامی پس از دو دهه از انقلاب شرایط نسبتاً باثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را تجربه می‌نماید. قطعاً این روزها می‌توان گفت ایران اقتصاد خود را از یک ساختار کاملاً نفتی جدا ساخته است، اقتصادی همراه با وابستگی نرخ رشد اقتصادی به قیمت‌های جهانی نفت خام، عدم تحمل نوسانات قیمت نفت و غوطه خوردن در فشارهای تورمی آن. مهمترین شاهد این مدعا شکست سیاست تحریم نفتی علیه ایران است، نرخهای رشد اقتصادی، میزان درآمدهای ارزی، تراز پرداختها، تراز حسابهای جاری و نرخ رشد تورم طی دو سال اخیر همگی حاکی از عدم توفیق سیاستهای تحریم یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران است. دنیا هم اکنون با پی بردن به اهمیت ایران و منابع ارزی آن در معادلات آینده قدرت در سراسر جهان ضمن نادیده گرفتن فشارها و تهدیدهای ایالات متحده، تلاشهای وسیعی را برای حضور در صنایع نفت و گاز ایران آغاز نموده است.

از بُعد سیاسی نیز طی سالهای پس از انقلاب بتدریج و به نوعی شگفت‌آور از میزان سیطره و نفوذ ۲۰۰ ساله غرب بر عرصه‌های مختلف ایران کاسته می‌شود. در واقع جمهوری اسلامی ایران خود را برای ورود به مرحله نوین شغال جایگاه قدرت درجه اول منطقه‌ای آماده می‌سازد. شرایط سیاسی - اجتماعی داخلی نیز طی همین مدت به گونه‌ای بسیار شتابان خود را با جایگاه مورد اشاره تطبیق داده است. ایران پس از تجربه قرن‌ها جابجایی قهرآمیز پایگاههای قدرت بعد از انقلاب اسلامی، شرایط نوین جابجایی مسالمت‌آمیز را شاهد بوده است شرایطی که می‌تواند مورد مطالعه جدی اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گیرد.

بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت که روسیه برای ایفای نقش یک قطب و قدرت جهانی نیازمند کمک و همراهی یک قدرت منطقه‌ای نظیر ایران اسلامی است، که با تفاهم متقابل و همکاری سازنده و بلندمدت در امور سیاسی و اقتصادی و استراتژیک مسیر خواهد بود.

همان‌طور که می‌دانید جمهوری اسلامی ایران با ۱۵ کشور دارای مرزهای مشترک آبی و خاکی است و در میان کشورهای همسایه ما، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه از یک طرف و منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از طرف دیگر اولویت خاص دارند. به اعتقاد ما منافع ملی ایران و روسیه اکنون بیش از هر زمان دیگری با یکدیگر پیوند خورده است و از زمینه‌های بسیار مناسب برخوردار است.



به‌عنوان نمونه‌ای روشن از نظریات دولت جدید جمهوری اسلامی ایران در مورد روابط ایران و روسیه، کفایت به سخنان ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در مراسم تقدیم استوارنامه سفیر جدید فدراسیون روسیه در ۱۱ اوت ۹۷ اشاره کنیم. جناب آقای خاتمی در این مراسم اظهار داشتند: «دو کشور همسایه در منطقه حساسی از جهان قرار دارند و دولت و کشور بزرگ روسیه در کنار دولت و کشور مقتدر ایران، می‌توانند نقش ممتازی برای استقرار صلح و امنیت در منطقه و جهان ایفا کنند. ایران و روسیه باید از امکانات مشترک برای کمک به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و افزایش سطح همکاری‌های منطقه‌ای، به‌تراز گذشته استفاده نمایند». به‌نظر ایشان توسعه و تحکیم همه‌جانبه روابط دو کشور، در حفظ صلح و ثبات جهانی نقش ویژه‌ای دارد.

در این مقطع مناسب است توضیحات کوتاهی در خصوص برنامه‌ها و اهداف کلی دولت جدید جمهوری اسلامی ایران که بعد از انتخابات ۲۳ مه ۱۹۹۷ روی کار آمد، ارائه‌نمایم.

برنامه دولت جدید در بُعد داخلی بر تقویت مبانی جامعه مدنی و در بُعد خارجی بر گسترش گفتگو و همکاری قانون‌مند بین‌المللی استوار است. برنامه‌های سیاست خارجی دولت که به‌عنوان برنامه‌های وزیر امور خارجه جدید، جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی ارائه شد، با اکثریت قاطع مورد تصویب نمایندگان ملت قرار گرفت.

در سطح کلان، ما گفتگوی میان تمدنها را از مبانی حتمی جامعه مدنی جهانی و نتیجه مستقیم اصل مشارکت و مدارا می‌دانیم. تمدنهای مختلف بشری می‌توانند و می‌باید با درک جوهر همبستگی و اشتراک، در عین تنوع و تکثر، با یکدیگر گفتگوی سازنده، تفاهم متقابل و همکاری پایدار داشته باشند. سابقه تاریخی تعامل تمدنها و غنای مشترک آنها این واقعیت را آشکارتر می‌سازد. ما اعتقاد داریم که در این تعامل، تمدنهای مبتنی بر تفکرات دینی و الهی می‌توانند در پاسخ به کمبودهای جدی جوامع غربی در روابط انسانی کمک کنند و همزمان از پیشرفتهای علمی و صنعتی آن جوامع بهره‌مند شوند.

در زمینه اهداف دولت جدید و گسترش فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف بین‌المللی، لازم است به برگزاری هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی نیز اشاره کنم. تهران در هفته گذشته میزبانی گردهمایی نمایندگان عالی‌رتبه ۵۵ کشور عضو سازمان



کنفرانس اسلامی را در سه سطح کارشناسی ارشد، وزرای خارجه و سران و رؤسای دولتها به عهده داشت.

همان طور که در مقدمه اساسنامه این سازمان آمده، هدف کشورهای عضو عبارت از تلاش دسته جمعی جهت تأمین صلح جهانی است به نحوی که امنیت، آزادی و عدالت برای مردم مسلمان و کلیه جهانیان فراهم آید.

بدیهی است سازمانی که اعضای آن نماینده بیش از  $\frac{1}{5}$  جمعیت جهان بوده و وسعتی معادل  $\frac{1}{5}$  سطح کره زمین را فراگرفته و بیشترین منابع و ذخایر حیاتی مورد نیاز بقیه جهان را در اختیار دارند، قادر به ایفای نقش قابل ملاحظه‌ای در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی نیز می‌باشد. یکی از ویژگی‌های اجلاس تهران، نشانه‌هایی بود که از گرایش به تفکر چندقطبی شدن جهان مشاهده شد و این حرکت را می‌توان سرآغازی برای مقاومت جدی در مقابل فشار آمریکا در ایجاد جهان تک‌قطبی و تحمیل منافع و خواست خود بر سایر کشورها دانست.

سران و رؤسای دولتهای عضو سازمان در یکی از بندهای بیانیه تهران به صراحت یک‌جانبه‌گرایی و اعمال فرامرزی قوانین داخلی را رد کرده و خواستار مقابله با قانون به اصطلاح «داماتو» از سوی کلیه کشورهای جهان شدند. ما معتقدیم موفقیت این اجلاس که مورد تأکید کلیه شرکت‌کنندگان و رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت، نشاندهنده آغاز عصر جدیدی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

در سطح روابط دوجانبه، گسترش این مناسبات با کلیه کشورها براساس احترام متقابل، منافع مشترک و عدم مداخله در امور داخلی، سرلوحه برنامه‌های سیاست خارجی می‌باشد.

به هر حال در خاتمه یک بار دیگر ابراز امیدواری می‌کنم که مباحث و نظریاتی که توسط کارشناسان ارشد و پژوهشگران محترم روسی و ایرانی در این میزگرد مطرح می‌شود به تقویت روند توسعه روابط دو کشور و گسترش دامنه همکاری‌های دوجانبه منجر شده و نهایتاً گفتگو در قالب چنین میزگردهایی گرچه پُرجاذبه‌تر بوده و روشنایی بخش بسیاری از نکات تاریک و مبهم می‌باشد ولی لازم است به بُعد عملی و کار مداوم در اجرای توصیه‌های آنها توجه بیشتری مبذول شود.

متشکر